دریچه

مروری بر نقاشی‌های «مریم مقدم» در گالری ایده

تن‌ندادن به تفسیر

پرویز براتی

● هنر اگر به مثابه بازنمایی جهان در نظر گرفته نشود، و بتوانیم آن را مانند آفرینش آنچه هنوز نیست، در نظر بگیریم؛ قدرت‌ها و امکان‌های متفاوتی را ارائه می‌کند. در نقاشی‌های مریم مقدم میل به فرار از بازنمایی بر هر رویه دیگری برتری می‌یابد.

کار نقاشی مرئی‌کردن امر نامرئی است. اما منظور از واقعیت- مرئی- واقعیت عینی نیست. این همان دوری‌جستن از بازنمایی، تصویرگری یا بازنمایی جهان است، بنابراین هدف هنر، جست‌وجوی زبان و ساختاری مختص خود است؛ هنر در پی یافتن تصویری است که هویت و مرجعی جز خود ندارد؛ زیرا دیگر با واقعیت مرتبط نیست. در آثار نمایشگاه اخیر مقدم در گالری ایده، نقاش تمهیدهای مختص خود را برای فرار از بازنمایی به کار می‌گیرد؛ یکی کژنمایی بدن‌ها و اعوجاج در تصاویر است.

پیکره‌ها عموما از افتادن در ورطه تقلیل‌گرایی فیزیولوژیک طفره می‌روند، بنابراین ما با بدن بدون اندام مواجه هستیم. دیگر، شورش علیه وضوح است. بدن‌ها به سختی در زمینه اثر قابل تشخیص‌اند. نقاش تعمدا ردپایی محو از پیکره‌ها را در تابلو باقی گذاشته.

مخاطب باید دقت زیادی کند تا از بین خطوط و ضرب قلم‌های درهم‌تنیده نقاش، پیکره‌ای خوابیده یا نیم‌خیز یا نشسته را تشخیص دهد. هرچند برخی تابلوها شدت لیبیدو را در اثر مجسم می‌کنند؛ بااین‌حال عموم تابلوها از هرگونه خوانش مرتبط با آن می‌گریزند.

با نگاه به تابلوهای مریم مقدم این سؤال به ذهن می‌آید که آیا پرسوناژهای نقاش وارد قاب شده‌اند تا هر یک قصه خود را بازگو کنند؟ قدر مسلم آنکه با وجود متغیرهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، این ما هستیم که قصه خود را در آینه دیگری جست‌وجو و تعبیر می‌کنیم. مهم‌ترین ویژگی این پرسوناژهای خوابیده، لمیده یا نشسته، مقاومتشان در برابر تفسیر است. برخلاف افق انتظارات مخاطب ایدئال نقاشی امروز، این نقاشی‌ها الزاما نسبتی با رنج یا تعب ندارند. در برابر موافق‌خوانی سنتی یا همان خوانش دقیق (close reading)، می‌توان به سیاستی دیگر روی آورد و متن را مخالف‌خوانی (misreading) کرد. بر این اساس، پرسوناژهای مقدم بیشتر از آنکه بدن‌هایی دردمند یا رنج‌کشیده باشند، بازی رنگ‌ها بر پهنه گسترده بوم هستند. این نقاشی‌ها روایتی معاصر از یکی از مهم‌ترین سوژه‌های تاریخ هنر؛ یعنی تن را بازآفرینی می‌کنند. نقاش با اسلوب و انگیزه‌ای خاص، پیکره‌ای انسانی را سوژه کار خود قرار داده و با لکه‌های پرانرژی سبز و سرخ بر فضایی لایتناهی و سپید، به غنای تجسمی مطلوب خود دست یافته است.

در نقاشی‌های مریم مقدم ضمن کاربست نامحدود رنگ، از حداکثر قابلیت روحی و تأثیرگذار آن و بافتی منحصربه‌فرد استفاده شده است. سفیدی و فضای منفی همان‌قدر برای هنرمند اهمیت دارد که لکه‌های پُرقشای آبی سیر، ارغوانی و سرخ. درواقع استفاده حداکثری از قابلیت‌های بیانی و هیجان‌گرای رنگ را می‌توان از مهم‌ترین ویژگی‌های آثار این نقاش تلقی کرد. رنگ، هویت تابلوهای اوست و نه فرم آشنا؛ در میان تنالیته‌های مختلف، رنگ خاصی یکه‌تاز میدان نیست. لایه‌های جسورانه رنگ، از دل سپیدی بوم بیرون می‌زنند و صحنه‌ای ملموس را شکل می‌دهند که قابلیت‌های بیانی و هیجانی آن به اوج می‌رسد.

این حرف‌ها برای حاتمی‌کیا آزاردهنده نیست

عکس: رئوفه رستمی

گروه هنر: بسیاری از سازندگان آثار سینمایی، به دنبال تجربه‌هایی جدیدتر یا به نوعی تفاوت در آثارشان هستند. به نظر می‌رسد بسیاری از سازندگان آثار سینمایی در تعریف واژه متفاوت دچار اشتباه هستند و به نظر می‌رسد این واژه برای برخی از مخاطبان سینما نیز دیگر اعتباری ندارد، اما شاید استفاده اشتباه از واژه متفاوت به عرصه تبلیغات آثار سینمایی هم تسری پیدا کرده است. تولیدکنندگان و کارگردانان قبل از آنکه فیلم به مرحله تولید برسد، مانند شیوه پیش‌تولید شیوه پیش‌تبلیغات را نیز کلید می‌زنند. شاهد این ادعا فیلم «خروج»، به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیاست که تولیدش تا مدتی دیگر آغاز خواهد شد. «خروج» بیستمین فیلم این کارگردان ارزشی است. بر اساس نوشته خبرآنلاین، این فیلم زندگی گروهی از پنبه‌کاران شهرستانی است که باران محصولاتشان را از بین می‌برد و وعده‌هایی که مسئولان به آنها داده‌اند توخالی از آب درمی‌آید. اما در روایتی دیگر فیلم خروج داستان ساکنان روستایی است که قرار است دسته‌جمعی برای اعتراض به وضعیتشان نزد هیئت دولت بروند. با این کوتاه‌نوشته‌ها درباره موضوع فیلم می‌توان حدس زد این فیلم جزء فیلم‌های جنجال‌برانگیز این سال‌ها باشد که به‌سرعت وارد مجادله‌های سیاسی و جناحی شود. در این میان نکته جالب‌توجه دیدن فیلمی است که تبلیغاتش از همین حالا و از زمان پیش‌تولید آغاز شده. بازیگر پرسابقه سینمای ایران، فرامرز قریبیان که نخستین همکاری با حاتمی‌کیا را در «خروج» تجربه می‌کند، در گفت‌وگو با آویتی فیلم به فیلم‌نامه خوب این اثر اشاره کرده و می‌گوید: «وقتی فیلم‌نامه را خواندم، بسیار خوشم آمد. فکر می‌کنم این بهترین فیلمی باشد که بازی می‌کنم. برای بازی در این فیلم، فیلم‌نامه برایم اصل بر هر چیز دیگری است. فیلم‌نامه «خروج» جای کار زیادی دارد».

قریبیان، بازیگر به‌یادماندنی فیلم «گوزن‌ها»، در ادامه مصاحبه‌اش دلایل دیگری برای انتخاب فیلم «خروج» آورده است: «در این فیلم نقش اول را دارم و مورد دیگر در انتخاب این فیلم خود حاتمی‌کیاست. وقفه‌ای که در بازی‌های من در سینما ایجاد شده خارج از اراده من است. درواقع فیلم‌نامه‌ها چیزی نبودند که قبول کنم وگرنه پیشنهادهای زیادی شاید حدود ۱۵،۱۴ پیشنهاد به من شده که در بعضی از فیلم‌ها نقش اول هم بوده‌ام».

روزنامه سازندگی نیز در گزارشی درباره فیلم «خروج»، در توضیح تازه‌ترین ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا نوشت: «ایده اولیه فیلم به ۱۰ سال قبل و اواخر دهه ۸۰ برمی‌گردد. ماجرا قصه رویارویی آدمی بود که ظلمی به او شده بود و جماعتی که نمی‌خواستند صدای او را بشنوند و فرد معترضی که می‌خواست صدایش را به گوش مسئولان برساند. تحقیقات زیادی انجام شد و ایده اصلی این بود که فردی برای انتقال حرفش از شهرش بیرون بزند و راهی جایی دیگر شود. برای ساخت این فیلم به نام «ج» با بنیاد فارابی توافق شده بود، اما تا ۱۰ سال حاتمی‌کیا به طراحی ایده بهتری نرسید. حاتمی‌کیا در این سال‌ها گفت‌وگوهایی با فعالان سیاسی چپ و راست و جامعه‌شناسان معترض داشت که اعتراض پوچ و توخالی نباشد و علت آن در جامعه ایرانی روشن باشد. ابراهیم حاتمی‌کیا یک گروه جوان را برای فیلم‌نامه‌نویسی همراه خود کرده بود. پاییز سال ۹۷ در اوج التهابات برجام و ترامپ یکی از اعضای گروه فایلی صوتی از اتفاقی در یکی از شهرهای کوچک ایران فرستاد که انگار بر اساس طرحی بود که حاتمی‌کیا طراحی کرده بود و حاتمی‌کیا تصمیم گرفت خودش فیلم‌نامه این فیلم را بنویسد و با بیشتر از ۳۰ نفر از افراد مرتبط با آن حادثه مصاحبه کرد تا برسد به یک فیلم جاده‌ای به نام «خروج». حاتمی‌کیا در سومین همکاری با مؤسسه اوج به سراغ ایده‌ای رفته که تا به حال اوج روی آن سرمایه‌گذاری نکرده؛ ایده اعتراض مردم که دستاوردی تازه برای اوج به حساب می‌آید و فیلمی که نوک تیز انتقاداتش به انفعال و بی‌تحرکی و بوروکراسی دولتی‌هاست و بیش از همه بی‌عملی و باری به هر جهت بودن سیستم را نقد می‌کند». بدون‌شک ابراهیم حاتمی‌کیا یکی از مهم‌ترین فیلم‌سازان بعد از انقلاب است. او با نزدیک‌شدن به خطوط قرمز و گاهی عبور از آنها و بیان دیدگاه‌های انتقادی به سیاست و مسائل اجتماعی خیلی زود مورد توجه مخاطبان سینما و سینمایی‌نویسان قرار گرفت. بدون‌شک بسیاری از ساخته‌های او را باید در زمره مهم‌ترین و به‌یادماندنی‌ترین فیلم‌های سینمای ایران دسته‌بندی کرد. «دیده‌بان»، «مهاجر»، «بوی پیراهن یوسف» و «آژانس شیشه‌ای» فیلم‌هایی از این دست هستند که امضای او به‌عنوان هنرمندی دغدغه‌مند را بر پیشانی دارند، اما آثار او از جایی به‌بعد رنگ‌وبوی دیگری به خود گرفت. «دعوت» با ترسیم فضایی زنانه‌تر و صحبت از دغدغه‌ای اجتماعی عملا فیلم ناکامی در کارنامه اوست و «گزارش یک جشن» از جمله فیلم‌هایی است که از فضای غالب فیلم‌های حاتمی‌کیا فاصله می‌گیرد. «گزارش یک جشن» در کارنامه ابراهیم حاتمی‌کیا فیلمی توقیف‌شده باقی می‌ماند. او مسیرش را با فیلم‌هایی دیگر ادامه می‌دهد؛ مسیری که همواره حاشیه‌هایش پررنگ‌تر از متن است و فیلم‌های «چ»، «بادیگارد» و «به وقت شام» که هر یک مخالفان و موافقان بسیاری دارد که حواشی پیرامون این فیلم‌ها از کارگردان مؤلف سینمای ایران، شمایل مردی همیشه معترض را برای علاقه‌مندان سینما ترسیم می‌کند. ابراهیم حاتمی‌کیا بعد از ساخت آخرین ساخته جنجالی‌اش؛ «به وقت شام»، برای ساخت «خروج» آماده می‌شود؛ فیلمی که شیوه‌ای دیگر از تبلیغات را در پیش گرفته است. از سوی دیگر روایت‌هایی که از تازه‌ترین ساخته او به گوش می‌رسد باز هم حاتمی‌کیا را وارد جناح‌بندی سیاسی خواهد کرد. سال‌هاست که بسیاری از او و آثارش به‌عنوان پربحث‌ترین ساخته‌های سینمای ایران یاد می‌کنند و به نظر می‌رسد این تعاریف خیلی هم برای حاتمی‌کیا آزاردهنده نیست.

گویا امسال، سینمای ایران سال متفاوتی را به لحاظ حضور فیلم‌سازان نسل‌های مختلف تجربه خواهد کرد. داریوش مهرجویی نیز از دیگر کارگردان‌هایی است که به سراغ ساخت اثر جدیدی رفته. فیلم‌نامه این فیلم را مهرجویی و وحیده محمدی‌فر به نگارش درآورده‌اند. «لامینور» بیست‌وششمین فیلم بلند سینمایی داریوش مهرجویی است که علی نصیریان بعد از سال‌ها مقابل دوربین او قرار خواهد گرفت؛ همکاری‌ای که از نگاه نصیریان می‌تواند مثبت باشد. با همه اینها باید منتظر ماند و دید نتیجه تولیدات اخیر سینمای ایران چه خواهد بود و در این رقابت کدام‌یک از فیلم‌سازان مخاطبانشان را راضی نگاه خواهند داشت.

فیلم «ایده اصلی» در یک نگاه

سرکاری‌های پیچیده

مازیار معاونی: آزیتا موگویی که تجارب طولانی‌مدتش به عنوان یک سینماگر بر کسی پوشیده نیست در نخستین ساخته بلند سینمایی خود تلاش چشمگیری به خرج داده است تا به‌گونه‌ای در مرز بین سینمای تجاری و سینمای جدی‌تر برخوردار از مؤلفه‌های هنری حرکت کند که هم نگاه و رویکرد سختگیرانه‌تر از اندازه‌های متوسط خود را حفظ کند و هم در اولین تجربه فیلم‌سازی خود به‌گونه‌ای قدم برندارد که ساخت آثار احتمالی بعدی او با تردیدهایی برای سرمایه‌گذاران مواجه شود. فیلم از دل جامعه‌ای که شاید مناسباتی نظیر خیانت، پشت‌هم‌اندازی، دروغ و ثروت‌اندوزی نامشروع و بی‌حدوحصر، بیشتر از هر زمان دیگری در آن به چشم می‌آید قصه رقابت مافیاوار چند نفر ثروتمند دور از زندگی مردم عادی کوچه و بازار و مناسبات معمولی بین آنها را انتخاب کرده و در قالبی پیچیده و دشوار روایت می‌کند.

اگر معیارهای کلاسیک سینمایی و تطابق با اصول ژانر را مبنای تعیین گونه سینمایی «ایده اصلی» قرار دهیم، باید گفت که با یک تریلر به مفهوم تام و تمام آن روبه‌رو هستیم. هیجان و تعلیق به عنوان دو عنصر مهم و کلیدی این ژانر در فیلم نقش پررنگ و غیرقابل‌انکاری دارند، پوچ‌شدن فرضیه‌های قبلی درباره ماهیت کلاهبردار اصلی که به دیگران رودست زده و شکل‌گرفتن حدسیات جدیدی که فیلم با زوایای دید تازه‌اش به تماشاگرانش انتقال می‌دهد در راستای پایبندی به اصول ژانر و تزریق تعلیق و هیجان به جای‌جای داستان عمل می‌کنند. در ابتدا از زاویه دید سعید (بهرام رادان) به قصه ورود می‌کنیم که با پیشنهاد لاله (هانیه توسلی) سعی دارد با سندسازی برای شرکت تحت مدیریتش، مزایده پیش‌رو را به هر قیمت ممکن برده و همسر سابقش (مریلا زارعی) را که شرایط مالی و رانتی قوی‌تری دارد، مغلوب کند. در دومین نقطه دید فیلم از این قصه پیچیده مافیایی معلوم می‌شود که لاله و رؤیا همدست‌اند و این سعید است که رودست خورده و قربانی یک توطئه دقیق زنانه شده است. بشخصه اعتقاد دارم اگر فیلم به ترفند رودست‌زدن در همین نقطه خاتمه می‌داد و با تمرکز بر شخصیت‌پردازی و واکنش طرف رودست‌خورده به باند کلاهبردار مؤنث و عکس‌العمل‌های متعاقب آنها مسیر خود را ادامه می‌داد، با اثر شسته‌ورفته‌تر و مفهوم‌تری روبه‌رو بودیم.

واقعیت این است که زمانی که فیلم به سومین روایت خود از ماجرا می‌رسد و مشخص می‌شود که نیما (پژمان جمشیدی) با همراهی کاراکتر آقازاده قصه (مهرداد صدیقیان) ضلع دیگر این رودست‌زدن‌ها و خیانت در رفاقت هستند، تماشاگر تا اندازه‌ای گیج شده و نمی‌تواند در عین اینکه در حال تماشای مابقی داستان و عقب‌نیفتادن از آن است، تمام چرخش‌های قبلی و زاویه دقیق و موقعیت نقش‌ها نسبت به یکدیگر را در ذهنش حلاجی کند. بهترین گزینه پیش‌روی کارگردان در چنین وضعیتی خارج‌کردن ذهن مخاطب از این توالی قطعیت- شک و گشودن روزنه‌ای برای خروج قصه از این وضعیت تکراری بوده است. اما در عمل آنچه اتفاق افتاده، ادامه‌دادن همین رویه و روکردن سومین غافلگیری داستان بوده که ریشه‌های آن به جاه‌طلبی فیلم‌ساز، افتادن او در تله پیچیدگی‌های جذاب طرح اولیه، برداشت اشتباهش از میزان کشش و ظرفیت کارکرد «تغییر زاویه روایی فیلم» و دوز قابل قبول «بازی‌های روایی با سنجه قضاوت تماشاگر» برمی‌گردد.

برملاشدن این قضیه که در پس تمام این فراز و فرودها و دورزدن‌های کاراکترهای منتسب به دو قطب متخاصم داستان (سعید و رؤیا) عملا هیچ‌چیز دندان‌گیر و به‌دردبخوری وجود نداشته و تمام قصه از ابتدا ازسوی این دو نفر و با هماهنگی پشت‌پرده خود آنها پیش می‌رفته است، نه تنها به کار برانگیختن بیشتر حس تحسین مخاطب و به‌سرانجام‌رسیدن فیلم نیامده که به عنوان بدترین غافلگیری فیلم به‌شدت به آن آسیب زده است.

در سینمای دنیا و در نمونه‌های موفق معمایی و به‌ویژه آنهایی که مثل همین فیلم بر سنگ بنای تغییر نقطه دید، درام خود را پیش می‌برند، به همان اندازه که برای انداختن تماشاگر در یک مسیر گیج‌کننده که ذهن او را به‌شدت به تکاپو وامی‌دارد فکر می‌شود به همان اندازه و حتی بیشتر از آن روی چگونگی جمع‌کردن پازل‌های پراکنده داستان به‌گونه‌ای که اتصال دقیق و قابل باوری با هم داشته باشند هم اندیشیده می‌شود، اما در اینجا درست برخلاف تمام آن مصادیق هم یک پایان‌بندی شتاب‌زده اتفاق افتاده هم اصولا فصل پایانی فیلم، جایگاه آن را از یک تریلر قابل قبول به اثری تنزل داده که معما و تعلیق را با سرکارگذاشتن مخاطب اشتباه گرفته است.

در شکل فعلی با یک شوخی بی‌مزه در انتهای داستان مواجه می‌شویم که تمام سعی و تلاش و فشارهای ذهنی‌مان برای درک رابطه میان مهره‌های مختلف بازی و تشخیص برنده یا بازنده نهایی یک رقابت پیچیده مافیایی را به سخره می‌گیرد، شاید فیلم‌ساز و تیم همکارش به این تصور بوده‌اند که با روکردن چنین برگ برنده‌ای و واردکردن یک شوک جدید به مخاطب، فیلم خود را با یک پایان‌بندی آن‌چنانی به اتمام رسانیده‌اند، ولی واقعیت این است که روشدن قضیه تبانی سعید و رؤیا بدون آنکه به دلایل، انگیزه‌ها و پیشینه‌های آن پرداخته شده باشد در حکم پاک‌کردن صورت‌مسئله‌ای است که تمام درام روی آن بنا شده و تماشاگرِ خسته از تلاش برای فهم این شطرنج ثقیل، پس از مواجهه با چنین پایان غیرمعقولی که ذهنیات و فرضیاتش را به باد می‌دهد حتی نقاط قوت فیلم تا پیش از فصل انتهایی را هم از یاد می‌برد، پربیراه نیست اگر ادعا کنیم شوک اصلی «ایده اصلی» نه به مخاطبان فیلم بلکه یک شوک‌به‌خودی شدید و تصمیمی نادرست به‌منظور ازنفس‌انداختن آن بوده است.

زیر آسمان فیروزه‌ای

یادمان محمد زهرایی برگزار می‌شود

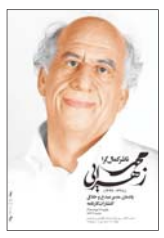

● یادمان مدیر انتشارات کارنامه محمد زهرایی یکشنبه ۲۷ مردادماه برگزار می‌شود. این مراسم از ساعت ۱۶ الی ۱۸ واقع در خیابان انقلاب، بین خیابان برادران مظفر جنوبی و فلسطین، سرای کتاب برگزار می‌شود.

نامزدهای مسابقه عکس پنجمین جشن عکاسان سینما معرفی شدند

● به گزارش روابط‌عمومی انجمن عکاسان سینما، نامزدهای مسابقه عکس پنجمین جشن عکاسان سینما معرفی شدند. در این دوره از مسابقه عکس، محمد بدرلو برای مجموعه عکس‌های فیلم «۲۳ نفر» و «سرخ‌پوست»، امید صالحی برای مجموعه عکس‌های فیلم «شبی که ماه کامل شد»، امیرحسین شجاعی برای مجموعه عکس‌های فیلم «متری شیش و نیم» و آرزو اتحاد برای مجموعه عکس‌های فیلم «لابیرنت» نامزد دریافت تندیس بهترین عکاس سال سینما شدند. پنجمین جشن عکاسان سینما ۲۴ مردادماه به دبیری علی نیک‌رفتار برگزار می‌شود.

بازگشت سعید پورصمیمی پس از ۱۷ سال به صحنه تئاتر

● سعید پورصمیمی از بازیگران مطرح و تأثیرگذار تئاتر ایران است که در گروه تئاتر پاسارگاد فعالیت تأثیرگذاری را به همراه هنرمندانی همچون پرویز پورحسینی، زنده‌یاد جمشید مشایخی، زنده‌یاد پرویز فنی‌زاده و زنده‌یاد حمید سمندریان در عرصه تئاتر ایران داشته است. پورصمیمی که در زمینه نمایش‌نامه‌نویسی و کارگردانی تئاتر هم فعال بوده و آثاری مانند «داستان ضحاک» را به صحنه برده است، در نمایش‌های «آندورا» و «دایره گچی قفقازی» زنده‌یاد حمید سمندریان، «ریچارد سوم» و «هنر» زنده‌یاد داود رشیدی، «پژوهشی ژرف و سترگ» آربی آوانسیان و همچنین آثار دیگری همچون «استثناء و قاعده»، «خسیس» و «بازرس» به ایفای نقش پرداخته است. او در یک سال اخیر در دو نمایش‌نامه‌خوانی «داستان ضحاک» و «آواز قو» به کارگردانی پریزاد سیف حضور داشته است.

پورصمیمی قرار است بعد از ۱۷ سال دوری از صحنه تئاتر با اجرای نمایش «آواز قو» به کارگردانی پریزاد سیف در سالن ناظرزاده‌کرمانی تماشاخانه ایرانشهر، بار دیگر روی صحنه تئاتر به نقش‌آفرینی بپردازد. نمایش «آواز قو» که نورالدین حیدری‌ماهر مجری طرح آن است، از ۱۰ شهریور اجرای عمومی خود را آغاز می‌کند. پیش‌فروش بلیت نمایش «آواز قو» از روز یکشنبه ۲۷ مرداد آغاز می‌شود.

واکنش شهاب حسینی به خبر جدایی‌اش از «شکرستان»

● چندی پیش خبری مبنی بر پایان همکاری شهاب حسینی با مجموعه «شکرستان» به دلیل همکاری با بهروز وثوقی منتشر شد که واکنش حسینی را به همراه داشت. این بازیگر با انتشار متنی در اینستاگرام در این‌باره نوشت: «دوستان و هم‌وطنان گرامی سلام و عرض احترام. علت بعضی از خبرسازی‌های غیرواقعی و انگیزه‌های پشت آن بر بنده روشن نیست. در خصوص عدم ادامه همکاری بنده کوچک با مجموعه جذاب خلاقانه و دیدنی شکرستان به تهیه‌کنندگی دوست و همکار عزیز و صمیمی آقای مسعود صفوی صرفا به دلیل عدم هماهنگی زمانی به دلیل شرایط فشرده کاری بنده در خارج از ایران اتفاق افتاده که برخلاف خواست قلبی طرفین رقم خورده چرا که شخصاً از علاقه‌مندان به این مجموعه هستم. ان‌شاءالله بعد از اتمام پروژه‌های کاری در خارج از کشور برای رفع دلتنگی و انجام پروژه‌هایی طبق قرارهای قبلی در ایران همیشه عزیز خواهم بود. ان‌شاءالله، به شرط بقا. آمین».

شرکت ملی گاز ایران

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

آگهی فراخوان مناقصه عمومی

شماره مجوز: ۱۳۹۸.۳۰۶۹ نوبت اول

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی تامین نماید:

شماره تقاضا و مناقصه	تقاضای شماره I-9740402-NS	مناقصه شماره 98-080	
شرح مختصر اقلام درخواستی	قطعات PROG.LOGIC CONTROL SYS ساخت شماره SIEMENS		
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به میزان ۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد		
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به صورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین‌نامه تضمین شماره ۱۲۳۴۲۰۲/ت ۵۰۶۵۹ ه مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران می‌باشد		
مبلغ برآوردی مناقصه	۱۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال		
تاریخ تحویل اسناد به واجدین شرایط	۹۸/۰۷/۲۰	تاریخ گشایش پاکات فنی	۹۸/۰۹/۰۳
آخرین مهلت ارائه پیشنهادات	۹۸/۰۸/۱۹	تاریخ گشایش پاکات مالی	۹۸/۰۹/۱۸
آدرس و تلفن مناقصه گزار	استان بوشهر، عسلویه، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، فاز ۲ و ۳ مدیریت بازرگانی، اداره خرید		

مناقصه‌گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۷۷۳۱۳۱۲۲۳۵ تماس حاصل فرمایند. شماره فکس جهت اعلام امادگی شرکت در مناقصه ۶-۰۷۷۳۷۳۲۵۴۳۴ تاییدیه فکس ۰۷۷۳۱۳۱۲۲۹۹

تاریخ چاپ آگهی نوبت اول ۹۸/۰۵/۲۴ و تاریخ چاپ آگهی نوبت دوم ۹۸/۰۵/۲۷ می‌باشد

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی